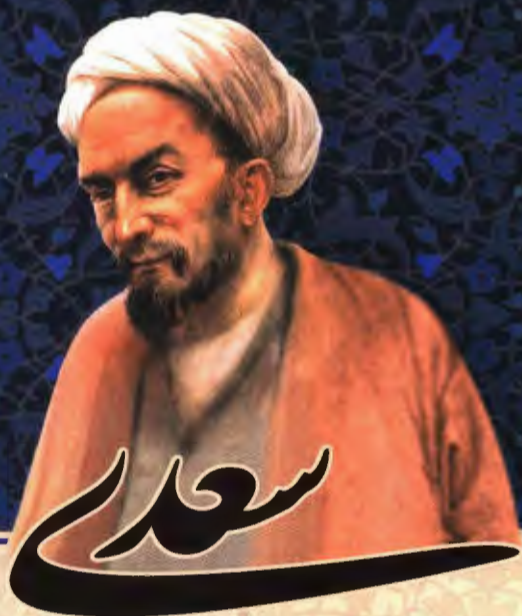




مسائل اجتماعی

چهارم ساله دربارہ
مُدار، نوع دوستی، استبداد و تیزمی اقصا

دکتر احمد کتابی

سعدی و مسائل اجتماعی

چهار مقاله دربارهٔ مدارا، نوع دوستی، استبدادستیزی و اقتصاد

تألیف

دکتر احمد کتابی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۶

سرشناسه: کتابی، احمد، ۱۳۱۹-
عنوان و نام پدیدآور: سعدی و مسائل اجتماعی: چهارمقاله درباره مدارا، نوع دوستی، استبدادستیزی و اقتصاد /
تألیف احمد کتابی
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.
شابک: 978-600-435-058-7

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۱۹-۳۲۰
موضوع: سعدی، مصلح بن عبدالله، ۹۶۹ق - نقد و تفسیر
موضوع: Sa'di, Mosleh-ibn Abdollah - Criticism and interpretation
موضوع: سعدی، مصلح بن عبدالله، ۹۶۹ق - دیدگاه های سیاسی و اجتماعی
موضوع: Sa'di, Mosleh-ibn Abdollah - Political and social views
موضوع: شعر فارسی - قرن ۷ق. - تاریخ و نقد
موضوع: Persian poetry - 13th century - History and criticism
موضوع: نشر فارسی - قرن ۷ق. - تاریخ و نقد
موضوع: Persian prose literature - 13th century - History and criticism
موضوع: ادبیات فارسی - قرن ۷ق. - جنبه های اجتماعی
موضوع: Persian literature - 13th century - Social aspects
شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ س ۷۲۴ ک ۵۲۱۵ PIR
رده بندی دیویی: ۸۱۳/۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۰۴۱۲۳



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱
تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵-۶
فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۶۸۶
فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

سعدی و مسائل اجتماعی

نوشته دکتر احمد کتابی

حروف نگار: مهیاسادات شریعی
طراح جلد: رضا گنجی
حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۰۵۸-۷ ISBN: 978-600-435-058-7

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

فهرست

پیش گفتار	۱۵
مقاله یکم: مدارا و سعه صدر از دیدگاه سعدی	۲۳
درآمد	۲۳
گفتار یکم - انگیزه‌ها و زمینه‌های مساعد برای مدارا و سعه صدر	۲۴
الف - خودشناسی و خودآگاهی	۲۴
۱. انتقادپذیری، عامل عمده خودشناسی و اصلاح نفس	۲۶
۲. تملق و خطر ایجاد خودفریبی و خودبزرگ‌بینی	۲۹
ب - فروتنی و خاکساری	۳۴
ج - اجتناب از کمال‌طلبی و مطلق‌گرایی	۳۸
آدمی آمیزه‌ای از نیکی‌ها و بدی‌هاست	۳۸
د - نوع‌دوستی	۴۰
۱. عدم تبعیض میان خود و دیگران	۴۱
۲. خدمت به خلق	۴۲
تأملی در داستانهای آموزنده و انسان‌دوستانه بوستان	۴۳
۳. عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی	۴۸
ه - مهرورزی نسبت به حیوانات	۵۰
گفتار دوم - مظاهر و نتایج مدارا و سعه صدر	۵۱
الف - بخشش و خطاپوشی	۵۱

۱. بخشاینده بودن خداوند ۵۱
۲. فضیلت عیب‌پوشی ۵۴
۳. روا داری اظهار خلاف واقع به انگیزه‌های انسانی (دروغ مصلحت‌آمیز) ۵۶
۴. ترجیح عفو بر انتقام ۵۷
۵. رحمت آوردن بر خطاکاران ۵۹
۶. ملاطفت و شفقت در حق بدان ۶۰
- ب - خوشخویی ۶۱
- ج - نیکی و جوانمردی ۶۱
۱. فریادرسی در ماندگان موجب رفع بلاست ۶۲
۲. کرامت با خلق، موجب بهره‌مندی از ثمرات و خیرات هر دو جهان می‌شود ۶۲
۳. مقدم داشتن آسایش دیگران بر آسایش خویش، توفیقی استثنایی است ۶۲
۴. طریقت، در واقع، همان خدمتگزاری به خلق است ۶۲
۵. فرصت نیکی کردن را نباید از دست داد ۶۲
۶. دستگیری افتادگان شیوه مرضیه نیکان آزاده است ۶۲
- د - مهرورزی و اجتناب از آزاردهی ۶۳
۱. انسان فاقد مهر و احسان، با نقش دیوار یکسان است ۶۳
۲. آدمی عبید (بنده) احسان و مهربانی است ۶۳
۳. رنجی که بردل نشیند، در دل بماند ۶۳
۴. ثمره آزار رسانی به ضعفا، درماندگی در برابر اقویاست ۶۳
۵. حیوان وحشی بر آدمیزاده مؤذی رجحان دارد ۶۴
- هـ - احترام به آرا و معتقدات دیگران ۶۴
- و - اذعان به خطا و اشتباه ۶۶
- ز - اکتفای به ظاهر و احتراز از تجسس ۶۸
- ح - عیب‌پوشی و پرهیز از بدگویی از دیگران در غیاب آنها ۷۰
- غیبت و حسد ۷۳
- ط - توصیه به ملایمت در امر به معروف و نهی از منکر ۷۵
- ی - تحمّل ۷۹
- ک - صلح‌طلبی و مسالمت‌جویی ۸۴
۱. در مزیت و رجحان صلح بر جنگ ۸۴

۸۵	۲. ملاطفت با دشمن و پذیرش درخواست صلح و امان خواهی او.....
۸۶	۳. موارد جواز توسل به جنگ.....
۸۶	ل - پرهیز از تعصب.....
۸۶	۱. سعه صدر در مواجهه با آرای مخالف.....
۸۹	۲. اجتناب از خودرایی و اعتقاد به مشورت.....
۹۱	۳. احتراز از پیش داوری.....
۹۳	م - نسبیت گرایی.....
۹۳	ن - اجتناب از تقلید کورکورانه.....
۹۴	حاصل سخن و جمع بندی.....
۹۷	پی نوشت ها.....
۱۲۷	مأخذ.....
۱۲۸	برای مطالعه بیشتر.....
۱۲۹	مقاله دوم: بنی آدم اعضای یکدیگرند (یا اعضای یک پیکرند؟).....
۱۲۹	درآمد.....
۱۳۰	الف - بررسی مضمون بیت های سه گانه.....
۱۳۱	ب - اهمیت و انعکاس جهانی.....
۱۳۲	ج - بررسی پیشینه اندیشه.....
۱۳۶	د - بررسی مضمونها و روایتهای مشابه متأخران.....
۱۳۹	ه - تفاوت ضبط ابیات.....
۱۴۲	مأخذ.....
۱۴۵	مقاله سوم: استبدادستیزی و ستم نكوهی در آثار شیخ اجل سعدی.....
۱۴۵	درآمد.....
۱۴۶	الف - استبدادستیزی.....
۱۴۶	۱- وجود پادشاهان و حاکمان فرع بر وجود رعایاست.....
۱۴۸	حکایت.....
۱۵۰	۲- در نکوهش استبداد و مستبدان و ضرورت دوری گزینی از آنها.....
۱۵۰	۱-۲- نفی استبداد.....
۱۵۰	حکایت.....
۱۵۰	حکایت.....

- ۲-۲- مقرون به صواب و مصلحت بودنِ دوری طلبی از پادشاهان و حاکمان ۱۵۱
- حکایت ۱۵۱
- حکایت ۱۵۱
- حکایت ۱۵۲
- حکایت ۱۵۳
- ۳- در عواقب و توالی فاسدِ استبداد ۱۵۴
- ۳-۱- ممتنع شدن صلاح اندیشی خیر خواهان ۱۵۴
- حکایت ۱۵۴
- ۳-۲- ایجاد ارباب و دهشت افکنی ۱۵۵
- حکایت ۱۵۵
- ۳-۳- پراکنده شدنِ نفوس و از رونق افتادنِ اقتصاد و بازرگانی ۱۵۶
- ۴- نفی و نقد جاه طلبی و منصب دوستی ۱۵۷
- حکایت ۱۵۸
- ۵- انتقاد ناپذیری، عامل مهم خودکامگی و تقویت آن ۱۵۹
- حکایت ۱۶۱
- حکایت ۱۶۱
- حق پذیری و انصاف گرایی حضرت علی (ع) ۱۶۲
- ماجرای مواجههٔ عمر - خلیفهٔ دوم - با گدای نابردبار ۱۶۴
- ۶- تملق و چاپلوسی، زمینه ساز و تقویت کنندهٔ «خودشیفتگی» و «خودکامگی» ۱۶۴
- حکایت ۱۶۷
- ۷- از حق جویی و انتقاد از ناروایی ها نباید فروگذاری کرد ۱۷۵
- حکایت پادشاه غور با روستایی ۱۷۵
- حکایت درویش صادق و پادشاه بیدادگر ۱۷۸
- ب - ظلم ستیزی و ستم نکوهی ۱۸۰
- ۱- در مذمتِ ستم پیشگی و عواقبِ شوم آن ۱۸۰
- حکایت ۱۸۲
- حکایت ۱۸۲
- حکایت ۱۸۳
- ۱-۱- اندرزهای اتوشیروان و خسرو پرویز در باب رعیت پروری و پرهیز از ستم ورزی ۱۸۵

- ۱-۲- حکایت مرزبان ستمگار با زاهد هوشیار..... ۱۸۶
- ۱-۳- حکایت برادران ظالم و عادل و عاقبت ایشان..... ۱۸۸
- ۱-۴- اندر معنی عدل و ظلم و ثمرات آنها..... ۱۹۱
- ۱-۵- هشدار عتاب‌آمیز خردمندی فرزانه به قزل ارسلان..... ۱۹۱
- ۱-۶- ماجرای دو درویش و ملّک صالح..... ۱۹۲
- ۱-۷- نصیحت‌هایی به پادشاه وقت در بی‌اعتباری دنیا و ضرورت عدالت‌پیشگی..... ۱۹۲
- ۱-۸- پادشاه باید ملجأ و پناهگاه ستم‌دیدگان باشد، نه اینکه خود ستم‌پیشه کند..... ۱۹۳
- ۱-۹- ستمگر، سرانجام، مغلوب می‌شود..... ۱۹۳
- ۱-۱۰- ستم‌پیشگان نیز، از عواقب ستم مصون نمی‌مانند..... ۱۹۳
- ۱-۱۱- تمام عالم به قیمت آزردن یک انسان نمی‌ارزد!..... ۱۹۴
- ۱-۱۲- امیر ستمگر نزد خداوند ناپسندیده است..... ۱۹۴
- ۱-۱۳- پند و اندرز..... ۱۹۵
- ۱-۱۴- قصیده در ستایش نصیحت‌آمیز امیر انکیانو..... ۱۹۸
- ۱-۱۵- در ستایش نصیحت‌آمیز همو..... ۱۹۹
- ۱-۱۶- قصیده در ستایش نصیحت‌آمیز اتابک مظفرالدین سلجوقشاه..... ۱۹۹
- ۱-۱۷- قصیده در انتقال دولت از سلغریان به قوم دیگر..... ۲۰۰
- ۲- بنیاد ظلم، در آغاز کار، اندک بوده است..... ۲۰۲
- حکایت..... ۲۰۲
- حکایت..... ۲۰۲
- ۳- مسئولیت حاکمان نسبت به ستمگری‌ها و اعمال ناروای کارگزارانشان..... ۲۰۳
- ۴- وظایف و تکالیف حاکمان در زمینه دادگری..... ۲۰۵
- ۴-۱- انتخاب متصدیان امور از افراد متقی و پرهیزگار..... ۲۰۵
- ۴-۲- فراهم آوردن امکان دادخواهی سریع و آسان برای عامه مردم..... ۲۰۶
- ۴-۳- رعایت عدالت و عدم تبعیض بین آحاد مردم..... ۲۰۸
- ۴-۴- سخت‌گیری در اجرای عدالت و جدیت در مجازات گناهکاران و خطاکاران..... ۲۰۸
- ۴-۵- رسیدگی به احوال و رعایت شئون زندانیان و خانواده‌های آنان..... ۲۱۰
- ۴-۶- مراعات حال ورشکستگان و بدهکاران ناتوان..... ۲۱۲
- ۴-۷- عدم طرد دائمی معزولان و مغضوبان..... ۲۱۳
- ۴-۸- ترجیح صلح‌طلبی و مسالمت‌گرایی بر پیکارجویی و کینه‌توزی..... ۲۱۴

- ۴-۸-۱- در مزیت و رجحان صلح بر جنگ ۲۱۴
- ۴-۸-۲- در ضرورتِ عدمِ خشونت و ترکِ کینه‌توزی نسبت به دشمن و پذیرش ۲۱۶
- درخواستِ صلح و امان‌خواهی او ۲۱۶
- ۴-۸-۳- موارد اضطراری جوازِ توسلِ به جنگ ۲۱۷
- ۴-۸-۴- ضرورتِ خوش‌رفتاری با اسیران جنگی و اهالی سرزمین‌های تسخیر شده ۲۱۸
- ۴-۹- عدمِ تعدی به بازرگانان و رعایتِ حرمت و شئونِ آنها ۲۱۹
- ۴-۱۰- عدمِ تبعیض در حقِّ افراد غیربومی و سیاحان ۲۲۰
- ۴-۱۱- عدمِ غفلت از احوالِ از کار افتادگان و خدمتگزاران قدیمی ۲۲۱
- ۴-۱۲- میانه‌روی در اِعمالِ رأفت و خشونت ۲۲۲
- مآخذ ۲۲۴
- مقاله چهارم: درآمدی بر بررسی اندیشه‌های اقتصادی در آثار سعدی ۲۲۷
- مقولات اقتصادی در آثار سعدی (به ترتیب الفبای فارسی) ۲۲۸
- ۱- آرز ۲۲۸
- حکایت ۲۲۹
- ماجرای طمع‌ورزی پادشاهی ستم‌پیشه ۲۳۰
- سایر شواهد ۲۳۰
- ۲- اتکای به نفس ۲۳۱
- ۳- احسان ۲۳۱
- حکایت ۲۳۲
- شواهد دیگر ۲۳۲
- حکایت در معنی شفقت ۲۳۳
- شواهد دیگر ۲۳۴
- ۴- ارزش ۲۳۵
- ۴-۱- ارزشمندی بر مبنای کمیایی ۲۳۶
- ۴-۲- ارزشمندی بر اساسِ خواصِ ذاتی ۲۳۶
- ۴-۳- ارزشمندی بر مبنایِ مقایسه ۲۳۶
- ۵- از مایه خوردن ۲۳۸
- ۶- استکبار ۲۳۸
- ۷- اسراف ۲۳۹

۲۴۰	۸- اعتدال گرایی
۲۴۰	۸-۱- اعتدال در بذل و بخشش
۲۴۱	۸-۲- اعتدال در خرج و مصرف
۲۴۲	۸-۳- اعتدال در خوراک
۲۴۳	حکایت
۲۴۵	۹- افلاس
۲۴۵	۱۰- باد دستی
۲۴۶	۱۱- بازار
۲۴۷	۱۲- بازرگان
۲۴۷	۱۳- بازرگانی
۲۴۸	۱۴- بازنشستگان
۲۴۸	۱۵- باقیات الصالحات
۲۴۸	۱۶- بخت و دولت
۲۵۰	۱۷- بخل
۲۵۱	حکایت ممسک و فرزند سخاوتمند
۲۵۳	شواهد دیگر
۲۵۳	۱۸- بیت المال
۲۵۳	۱۹- پیشه‌ور
۲۵۳	۲۰- پیشه‌وری
۲۵۴	۲۱- تبذیر
۲۵۴	۲۲- تخصص
۲۵۵	۲۳- تقسیم کار
۲۵۵	۲۴- توکل
۲۵۵	۲۵- ثروت
۲۵۶	۲۵-۱- ثروت و آسایش
۲۵۶	۲۵-۲- ثروت و خردمندی
۲۵۶	۲۵-۳- ثروت و دانش
۲۵۷	۲۵-۴- ثروت و توزیع آن
۲۶۰	۲۵-۴-۱- دیدگاه کلی سعدی درباره فقر و غنا

۲۶۱	 حکایت
۲۶۳	 حکایت
۲۶۵	 ۲۴-۲ آثار ناگوار تقابل فقر و ثروت
۲۶۶	 حکایت زور آزمای تنگدست
۲۶۸	 حکایت مرد درویش و همسایه توانگر
۲۶۹	 ۳-۴-۲۵ تدبیرها و راهکارهای مواجهه با ناداری و تهیدستی
۲۷۱	 ۵-۲۵ ثروت و عبادت
۲۷۱	 حکایت
۲۷۳	 حکایت
۲۷۴	 حکایت
۲۷۴	 ۶-۲۵ ثروت و فسق
۲۷۴	 ۷-۲۵ ثروت و قدرت
۲۷۶	 ۸-۲۵ ثروت و کرامت
۲۷۷	 حکایت
۲۷۹	 ۹-۲۵ ثروت و منزلت
۲۸۱	 ۱۰-۲۵ ثروت و نیکنامی
۲۸۱	 ۲۶- خدمتکاران قدیم
۲۸۱	 ۲۷- خراج
۲۸۳	 ۲۸- خزانة
۲۸۵	 ۲۹- خیرات و مبرات
۲۸۶	 ۳۰- دانش
۲۸۶	 ۳۱- دانایی
۲۸۶	 ۳۲- دخل
۲۸۷	 ۳۲- ۱- دخل حرام و خرج نافرجام
۲۸۷	 ۳۳- درآمد
۲۸۷	 ۳۳- ۱- درآمد کار نکرده
۲۸۷	 ۳۴- رانت
۲۸۷	 ۳۵- ربا (خواری)
۲۸۷	 حکایت

۲۸۸	۳۶- رزق
۲۹۰	۳۷- رنج و گنج
۲۹۱	۳۸- زیره به کرمان بردن
۲۹۲	۳۹- سخاوت
۲۹۵	۴۰- سرمایه
۲۹۶	۴۰- ۱- سرمایه مالی
۲۹۶	۴۰- ۲- سرمایه به صورت مواد اولیه (مثلاً بذر)
۲۹۶	۴۰- ۳- سرمایه به شکل ابزار کار
۲۹۶	۴۰- ۴- سرمایه به عنوان منبع درآمد یا محصول
۲۹۶	۴۱- سیر و سیاحت
۲۹۷	۴۱- ۱- دیدگاه کلی سعدی درباره سیر و سفر
۲۹۷	حکایت مشت زن و پدرش
۳۰۳	۴۱- ۲- سعدی و جلب سیاحان
۳۰۴	۴۲- ضرر و زیان
۳۰۵	حکایت
۳۰۵	۴۳- فقر و ثروت
۳۰۸	۴۴- قناعت
۳۰۸	۴۴- ۱- منزلت کلی قناعت از نظر سعدی
۳۰۸	۴۴- ۲- حکایت گدای مغربی در بازار پارچه فروشان حلب
۳۰۹	۴۴- ۳- حکایت تمایل رنجور به ناخواستن
۳۰۹	۴۴- ۴- صبر بر بی کفشی بر اثر مشاهده کسی که پای نداشت
۳۱۰	۴۴- ۵- حکایت
۳۱۰	۴۴- ۶- حکایت گربه ناراضی
۳۱۱	۴۴- ۷- حکایت صاحب دل قناعت پیشه
۳۱۱	۴۴- ۸- حکایتی دیگر در باب قناعت
۳۱۲	۴۵- کم فروشی
۳۱۳	۴۶- مال اندیشی اقتصادی
۳۱۳	۴۷- مناعت طبع
۳۱۴	۴۷- ۱- حکایت درویش تهیدست و بی نیاز

- ۴۷ - ۲ - حکایت جوانمرد مجروح و بلند طبع..... ۳۱۴
- ۴۷ - ۳ - حکایت حاتم طائی و خارکن..... ۳۱۵
- ۴۷ - ۴ - شواهد دیگر..... ۳۱۵
- حکایت بیمار منیع الطبع..... ۳۱۶
- ۴۸ - مهاجرت..... ۳۱۶
- ۴۹ - نسیه خری - نسیه فروشی..... ۳۱۷
- ۴۹ - ۱ - حکایت بقال و طلب او از صوفیان..... ۳۱۷
- ۴۹ - ۲ - حکایت در باب عزت قناعت و حرمت مناعت طبع..... ۳۱۸
- ۵۰ - وام دهی و وام گیری..... ۳۱۸
- مآخذ..... ۳۱۹

پیش گفتار

«خداوند اندیشه و سخن»: سعدی، شاعر دیروز، امروز و فردا

سعدیا چون تو کجا نادره گفتاری هست؟

یا چو شیرین سخت لعل گهرباری هست؟

«ملک الشعراء بهار»^۱

سعدی را بحق «شاعر همه زمانها»، «شاعر جهانی» و نیز «شاعر انسانیت» خوانده‌اند.^۲ این عنوانها، به راستی، شایسته سعدی است؛ چرا که اندیشه‌های والا و انسانی او نه به زمان و دوره‌ای خاص اختصاص دارد و نه به مکان و سرزمینی معین و نه به قوم یا ملتی مشخص.

کلام شیرین و آکنده از حکمت و معرفت سعدی خیلی زود مرزهای زمان و مکان را درنوردید و به سرعت به افقها و خطه‌های دوردست راه یافت:

۱. محمدتقی، بهار (ملک الشعراء)، (۱۳۸۰)، دیوان اشعار، ج اول، ص ۶۰۲، تهران: انتشارات طوس
۲. درباره سعدی و آثار ماندگار او عناوین و اوصاف دیگری هم به کار برده‌اند: از آن جمله به گفته دولتشاه سمرقندی «دیوان شیخ را نمکدان شعر خوانده‌اند» (تذکره الشعراء، ص ۲۲۳) و دکتر غلامحسین یوسفی که در توصیف شیرینی و دلنشینی سخنان سعدی، با استفاده از تعبیر مولانا، کلام او را شربت اندر شربت وصف کرده است. (یوسفی، ۱۳۹۱: ۶) شاعران معاصر نیز در مقام توصیف منزلت والای شیخ اجل، از تعبیرها و عنوانهای جالب و گویایی استفاده کرده‌اند از آن زمره است عناوین زیر: «سلیمان سریر شعر» (سپیده کاشانی)، «معمار کاخ سخن» (غلامرضا قدسی)، «گل همیشه بهار سخنوری» (علی موسوی گرمارودی)، «شاعر بزرگ جهان» (نصرالله مردانی)، «حکیم امت، آموزگار بشر» (خلیل خلیلی)، «ماه سرافراز ادب و مهر خاور» (امیر محمود انوار) و بسیاری دیگر (مأخذ: ذکر جمیل سعدی، ج ۳، ص ۴۷۷-۴۱۷)

در اروپا، پس از آنکه آندره دُ ریه (Andre du Ryer)، به سال ۱۶۳۴، گلستان سعدی را به زبان فرانسه ترجمه کرد،^۱ نظر بسیاری از بزرگان و نخبگان علم و ادب فرانسه، از آن جمله ولتر، لافونتن، آلفرد دو موسه، هوگو و بالزاک، به منزلتِ شامخ و آثار گرانقدر این سخنورِ توانا و اندیشمندِ بزرگِ اجتماعی جلب شد و آوازه شهرت و محبوبیت وی بدانجا رسید که چند صد نفر فرانسوی - و از جمله شماری از مشاهیر این کشور - نام سعدی را برای اسم کوچک خود و یا فرزندانِشان برگزیدند که از آن زمره می‌توان از لئونارد سعدی کارنو (Nicolas-Léonard (Sadi Carnot - دانشمند معروف فرانسوی (۱۸۳۲-۱۷۹۶) و نیز فرانسوا سعدی کارنو (Marie-Francois) Sadi Carnot (۱۸۹۴-۱۸۳۷) یاد کرد. گفتنی است که شخص اخیر به مقام ریاست جمهوری فرانسه هم رسید و ناصرالدین‌شاه، ضمن خاطرات خود، از او نام برده است.^۲ این نکته نیز شایان ذکر است که در حدود بیست سال قبل، ادیبان بزرگ فرانسه در مجمعی گرد آمدند تا درباره شعرای برجسته جهان به بحث و گفتگو بپردازند. آنان می‌خواستند بدانند که پس از «هومر» - سخن‌سرایِ سترگ یونان باستان - بزرگترین شاعر جهان کیست. مجمع مذکور، پس از مباحثات مفصل و طولانی، سرانجام، با رأی‌گیری

۱. چندی نگذشت که ترجمه گلستان به سایر زبانهای اروپایی هم آغاز شد: به سال ۱۶۵۱ Gentius آن را به زبان لاتینی برگردان کرد. سه سال بعد (۱۶۵۴)، Adam Olearius - سیاح مشهور - آن را به زبان آلمانی و در سال ۱۷۷۴ Stephen Sulivan آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرد و بعدها ترجمه‌های متعددی از آن صورت گرفت.

ترجمه بوستان به زبانهای اروپایی از نیمه اول قرن نوزدهم آغاز شد. تا پایان این قرن هشت ترجمه از آن به زبانهای مختلف اروپایی انتشار یافت که از میان آنها ترجمه M.C.Graf به نظم آلمانی به سال ۱۸۵۶ و ترجمه Barbier De Meynard به زبان فرانسه در سال ۱۸۸۰ از همه کامل تر و منقح تر است. شایان ذکر است که گلستان سعدی تاکنون یازده بار و کتاب بوستان وی تا به حال پنج بار به فرانسه ترجمه و هر یک از آنها چندین بار تجدید طبع شده است. (شکورزاده، ۱۳۷۰: صفحات ۱۴-۱۱)

۲. شگفتا که فرانسوا سعدی کارنو، به احترام سعدی و کتاب گلستانش، گل‌های سرخی را که در باغچه خانه‌اش پرورش می‌داد، به اسم «گل سعدی» نامگذاری کرده بود. در ضمن، بازماندگان او نیز، نسل اندر نسل، همچنان، نام سعدی را به عنوان اسم کوچک خود، حفظ کرده‌اند. ناگفته نگذاریم که اخیراً یکی از پژوهشگران ایرانی شیفته شیخ اجل - به نام آقای عبدالحمید ارجمند - فیلم مستند و محققانه بسیار جالبی درباره زندگی فرانسوا سعدی کارنو - به‌ویژه درخصوص علاقه زائدالوصفِ نامبرده نسبت به سعدی - تهیه کرده است، که مشاهده آن را به دوستداران این شاعر گرانقدر موکداً توصیه می‌کنیم. در ضمن، علاقه‌مندان به مطالعه شرح احوال فرانسوا کارنو می‌توانند به مأخذ زیر رجوع کنند:

Encyclopedia Britanica. Micropedia. See Carnot.

مخفی، شیخ اجل سعدی را به عنوان «بزرگترین شاعر جهان» برگزید.^۱ در آمریکا هم، آرا و اندیشه‌های سعدی و چیره‌دستی شگفت‌انگیز وی در سخنوری، اهالی ادب و اندیشه آن دیار را سخت تحت تأثیر قرار داد؛ تا آنجا که رالف والدو امرسون (Ralph Waldo Emerson)، نویسنده، شاعر و خطیب شهیر آمریکایی، درباره وی چنین اظهار کرد:

سعدی به زبان همه ملل و اقوام سخن می‌گوید و گفته او مانند هومر و شکسپیر و سروانتس و مونتینی همیشه تازگی دارد.

وی گلستان را یکی از اناجیل و کتب مقدسه جهان شمرد و بر آن بود که اندرزهای اخلاقی مندرج در آن، قوانینی جهان‌شمول است. هم او، ضمن خطابه‌ای غزّا تحت عنوان «سعدی نیک‌سرشت» در مقام تمجید و تحسین وی داد سخن داده، مراتب ارادت و شیفتگی وافر خود را نسبت بدو چنین بیان داشت:

... ای رهگذر هنگامی که از برابر [خانه] سعدی می‌گذری، دیده بصیرت بگشا. در آستان این خانه آیین ادب به جای آرا زیرا آن کسی که در اینجا مسکن دارد، عقل و حکمت خداوند است. خدایان آسمان با شادمانی برگرد چراغ زرین و فروزان وجود او حلقه می‌زنند و دختران پاکیزه‌روی و جوانان با گوهر بدین مرد حقیقت روی می‌آورند تا آن کس که از میان ایشان خلوصی بیشتر دارد، صفا بیشتر بیند. در این آستان صفا، هر قدر نیاز بیشتر، منزلت فزون‌تر!...^۲

بعضی از سخنوران مغرب‌زمین، در مقام دل‌بستگی و شیفتگی نسبت به سعدی تا بدانجا پیش رفتند که در مقام تقلید از او برآمده بعضی از مضمونهای دل‌نشین وی را به زبان مادری خود به نظم در آوردند؛ از آن جمله است مادام دبور و المور (Mme. Dsebordés Valmor) نویسنده و شاعر فرانسوی (۱۸۵۹-۱۷۸۶) که عبارتی از دیباچه گلستان را به شرح زیر «... به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُرکنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برد...» به زبان فرانسه به شعر در آورد و بدان، عنوان «گل‌های سعدی» داد که ترجمه

۱. مرتضی مشایخی (۱۳۸۸) چرا سعدی را کمتر می‌شناسیم (مقاله)، همشهری، ۲۰ مرداد ۸۸.

۲. مأخذ: نغمه‌های ایرانی. (نقل از گلستان مصحح دکتر یوسفی، ص ۲۰۴)

سه مصراع آن بدین شرح است:^۱

«امروز خواستم از برای تو گلِ سرخ بیاورم؛

اما دامن خود را چندان از گل انباشته بودم؛

که گره‌های بسیار استوار آن تاب نیاورد و از هم گسست.»^۲

و نیز باید از تأثیر شگفت‌انگیز این سخن سرای بزرگ در مشرق‌زمین یاد کرد - به‌ویژه در شبه قاره هند - که سخن شیرینش همانند قندِ فارسیِ شاعرِ همشهری‌اش، حافظ، به بنگاله هم رسید و همه طوطیانِ سخنورِ آن خطه را مجذوب و مسحور خود کرد.^۳

سرانجام، جای آن دارد از افتخارِ بزرگی یاد شود که سعدی با سرودن بیت‌های سه‌گانه مشهورِ خود برای ملت ایران به ارمغان آورد - ابیاتی که با مصراع معروفِ «بنی آدم اعضای یکدیگرند» آغاز می‌شود. سعدی با سرایش این اشعار جاودانی که قریب به هشتصد سال قبل از صدورِ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» ارائه شد نه تنها «ملکِ عجم» را گرفت که «بسیطِ زمین» را هم درنوردید و حتی به «دیره/فلاک» پا نهاد. توضیح آنکه حدود ۴۰ سال قبل، اخترشناسان سفینه‌ای را به نام «Voyager 2» راهی فضا کردند که منظومه شمسی را پشت سر گذارد و مأموریت علمیِ شگفت‌انگیزی را به فرجام رساند. دانشمندان به امید آنکه در آینده روزی موجوداتِ هوشمندِ فضایی بدین سفینه دست خواهند یافت، دو صفحه گرامافون در آن تعبیه و روی آنها مطالب گوناگونی ضبط کردند؛ که حاوی پیامی بود از دبیر کلِ وقتِ سازمان ملل متحد و نیز پیامی به زبان فارسی با این مضمون: «درو بر ساکنانِ کرات آسمانی» و در پایان، بیت

۱. گلستان مصحح دکتر یوسفی، ص ۲۰۳.

۲. جای آن دارد که در اینجا از فردریک انگلس - یارِ غار و همکارِ نزدیکِ کارل مارکس، بنیانگذارِ کمونیسم جدید - نیز، یاد کنیم که ضمن نامه‌ای بدو، در مقام ستایش از زبان فارسی چنین می‌گوید: «اگر دوستِ هر دوی ما، وایت لیک، که سخت در پیِ آن است که به زبانی جهانی دست بیابد، زبان فارسی را می‌شناخت به جسته و گمشده خود دست یافته بود. فردوسی و سعدی توانسته‌اند به این زبان برسند.» (مقاله «سعدی، کهن‌گرای نوآور» نوشته دکتر میرجلال‌الدین کزازی روزنامه اطلاعات، ۹۵/۲/۷)

۳. اشاره‌ای است به بیت معروف حافظ:

شکرشکن شوند همه طوطیانِ هند زین قندِ فارسی که به بنگاله می‌رود

(حافظ، مصحح محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، غزل ۲۲۵، بیت سوم)

معروف سعدی:

«بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند»

ذکر شده بود.^۱

پس از این مقدمه کلی، اکنون هنگام آن است که به موضوع اصلی این پیش‌گفتار - ارائه توضیحات و تذکراتی درباره کتاب حاضر - پرداخته شود.

درباره سعدی و آثار ماندگار او دهها، و بلکه صدها کتاب، مقاله، رساله، منظومه، پایان‌نامه، پژوهش‌نامه و امثال آن به زبان فارسی و نیز، به زبانهای زنده دنیا نگاشته شده است. در این نوشته‌ها، ابعاد گوناگون شخصیت این سخنور بی‌همتا و جوه متفاوت سخنان منشور و منظوم او، مورد بررسی‌های گسترده و تحلیل‌های دقیق و گاه موشکافانه قرار گرفته است؛ اما دریغ! که جنبه‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی آثار این اندیشمند بزرگ که در میان سخنوران فارسی در نوع خود شاید منحصر به فرد باشد، تا حدود زیادی، مغفول مانده است؛ تا آنجا که شمار کتابها و رساله‌هایی که در این زمینه به فارسی نوشته شده است، احتمالاً به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد.

کتاب حاضر که عنوان اصلی آن از مطلع قصیده معروف و غزای ملک الشعراء بهار در منقبت شیخ اجل سعدی برگرفته شده، حاوی چهار نوشتار یا مقاله کم و بیش طولانی است که جملگی آنها بر محور مسائل اجتماعی - و از جمله موضوعات سیاسی و اقتصادی - مندرج در آثار سخنور مزبور متمرکز شده است.

شایان ذکر است که این مقالات، پیش از این، در نشریات و مجلات گوناگون - از جمله در فصل‌نامه پژوهشی «اطلاعات سیاسی - اقتصادی» - انتشار یافته و در گذر زمان، مورد تجدیدنظر و جرح و تعدیل قرار گرفته و در بسیاری از موارد، مباحث و نکات جدیدی بدانها افزوده شده است.

در اینجا، یادآوری نکاتی چند را ضروری می‌داند:

۱. مأخذ: مجله دانشمند، سال ۲۷، شماره ۷، مهر ۱۳۶۸، ص ۴۳ به نقل از مقاله «بنی آدم اعضای یکدیگرند» نوشته محمد اسفندیاری، مندرج در کتاب **تساهل و تسامح**، ۱۳۷۹، تهران: انتشارات آفرینه، ص ۵۴.

۱- در این کتاب به تبعیت از یک سنتِ حسنۀ علمی، تلاش بسیار شده است تا مطالب ذکر شده به صورت کاملاً مستند و به اتکای مآخذ و مراجع معتبر مطرح شود. همچنین، سعی وافر شده است تمام شواهد مورد ارجاع با ذکر دقیق محل وقوع - و با مشخص کردن موقعیت و یا حکایت مربوطه و با قید صفحات و سطرها و یا شماره ابیات مورد استناد - ارائه شود؛ تا بدین ترتیب، خوانندگان علاقه‌مند بتوانند، با توجه به نشانی قید شده، به سهولت، متن و بافت (context) شاهد مثالها را بیابند؛ زیرا نقل یک شاهد مثال، فارغ از ماقبل و مابعد آن و بدون توجه به زمینه و طرح کلی موضوع مورد بررسی، نه تنها وافی به مقصود نیست که می‌تواند گمراه‌کننده هم باشد. در تأیید این مدعا، شاید، ذکر مثالی بی‌مناسبت نباشد:

در یکی از حکایتهای گلستان که حالتِ مناظره دارد، از قول یکی از ندیمان پادشاه وقت خطاب بدو چنین آمده است:

اگر گنجی کنی بر عامیان بخش رَسَد هر کذخدایی را بر رنجی
چرا نستانی از هر یک جویی سیم که گرد آید تو را هر روز گنجی

(گلستان، باب اوّل، حکایت ۱۸، ص ۷۳)

حال اگر این دو بیت را مستقلاً و بدون توجه به قبل و بعد آن ملاکِ قضاوت قرار دهیم، ممکن است به این نتیجه‌گیری نادرست برسیم که سعدی با هرگونه بذل و بخشش و به‌طور کلی با هر نوع توزیع عادلانه ثروت و درآمد مخالف و در مقابل، با افزایش اخذ مالیات و خراج از رعایا موافق بوده است؛ و حال آنکه این تصور به کلی ناصواب و خلافِ واقعیت است، و سعدی در ذکر ابیات مذکور مطلقاً قصد انشاء نداشته است چرا که بلافاصله پس از آنها چنین می‌خوانیم:

«ملک روی از این سخن برآورد... و گفت: مرا خداوند متعالِ ملکِ این ملک قرار داده است تا بخورم و ببخشم نه پاسبانم که نگه دارم.

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت نوشیروان نمرود که نام نکو گذاشت»
بنابر آنچه گفته شد، دو بیت مذکور را باید، در واقع، عقیده ندیم ملک تلقی کرد که ظاهراً آن را از بابِ خود شیرینی و خوش‌رقصی اظهار کرده، و نه نظر سعدی که احتمالاً به عقیده پادشاه نزدیک‌تر بوده است.

۲- در جریان پژوهش برای تألیف کتاب، سعی و اهتمام نگارنده پیوسته

معطوف بدان بوده است تا از هر گونه یکسونگری و جانبداری و پیش‌داوری اجتناب شود. بدین‌منظور، علاوه بر ارائه شواهد دال بر گرایش شیخ اجل به مقوله‌ای خاص (مثلاً «مدارا») از ذکر شاهد مثال‌هایی که احیاناً از مخالفت یا عدم تمایل وی نسبت به مقوله مزبور حکایت می‌کند نیز، غفلت نشده است.

۳- یادآوری این نکته هم، ضروری است که احتمال اینکه، در اینجا یا آنجای کتاب حاضر، تعارضها و تباین‌هایی بین بعضی از نظریات سعدی مشاهده شود، کاملاً متصور است. این گونه تضادها می‌تواند از یک سو، ناشی از تفاوت زمینه موضوع یا حکایت مورد بررسی از نظر مکان و زمان، و از سوی دیگر، معلول تحولات فکری و عقیدتی باشد که بر اثر گذشت زمان و کسب آگاهی‌ها و تجربه‌های جدید در دیدگاه‌های سخنور مزبور پدید آمده است، ضمن اینکه نباید فراموش کرد که این قبیل تعارض‌ها منحصر به سعدی نیست و کم و بیش در آثار غالب شاعران و سخنوران بزرگ یافت می‌شود.

۴- از آنجا که در دوران پس از اسلام، فرهنگ ایرانی با فرهنگ و معارف اسلامی، آمیختگی و پیوندی انکارناپذیر یافته است، بی‌مناسبت دیده نشد، به مضامین مشترک یا مشابهی که در فرهنگ اسلامی همچنین در آثار عرفا و متصوفه ایران در زمینه موضوعات ارائه شده - به‌ویژه دربارهٔ مدارا و سعه صدر - یافت می‌شود، نیز، در پی‌نوشت‌ها اشاره شود.

۵- برای اجتناب از تشتت فکری ناشی از ضبط‌های متفاوت اقوال و اشعار در نسخه‌های مختلف آثار سعدی، یکی از نسخه‌ها که به تأیید استادان فن، از اعتبار نسبی بیشتری برخوردار بوده، به‌عنوان نسخه اصلی تلقی شده و ملاک بررسی و محل مراجعه قرار گرفته است؛ مثلاً در مورد «گلستان» و «بوستان» از نسخه‌های مصحح شادروان دکتر غلامحسین یوسفی (از انتشارات خوارزمی) و در مورد «کلیات» از نسخه مصحح مرحوم محمدعلی فروغی (انتشارات ایران، احمد علمی) استفاده شده است.

بدیهی است در مواردی که رجوع به نسخه‌ها و چاپهای دیگر ضروری و یا مزید برفایده به نظر می‌رسیده، با ذکر مشخصات نسخه مورد مراجعه و محل وقوع شاهد مورد نظر؛ بدانها استناد شده است.

۶- از آنجا که مقالات چهارگانه کتاب در چندین مرحله و با فواصل

زمانی طولانی، تدوین و تألیف شده است، احتمال اینکه بین آنها ناهمسانی‌ها و ناهماهنگی‌هایی از نظر چگونگی فصل‌بندی، نحوهٔ ارجاع، شیوهٔ نگارش، روش علامت‌گذاری و امثال آن مشاهده شود، کاملاً قابل تصور است. همچنین، به دلیل مستقل بودن مقالات، یقیناً مواردی از تکرار و شاید اطناب پیش آمده است که از هر دو بابت، از محضر خوانندگان ارجمند عذرخواهی می‌شود.

۷- پانوشتهای کتاب، عمدتاً به درج کلمات لاتین و معانی واژه‌های دشوار و یا احیاناً برخی توضیحات کوتاه و مختصر اختصاص یافته و مطالب و توضیحات مفصل و ارجاعات برون‌متنی و تکمیلی، به منظور اجتناب از تراکم مطالب، به پی‌نوشت‌ها منتقل شده است.

در ضمن، ارجاع به پانوشته‌ها با اعداد ساده (بدون پرانتز) و ارجاع به پی‌نوشت‌ها با اعداد مسلسل داخل پرانتز صورت گرفته است. شایان ذکر است که فقط مقالهٔ یکم واجد پی‌نوشت است.



در تألیف و تدوین این کتاب، نگارنده، بی‌گمان مدیون و مرهون رهنمودهای ارزنده و ارشادهای سازندهٔ شماری از استادان و همکاران ارجمند بوده است. در صدر این عزیزان باید از انسان والا و دوست دیرین و فرزانه جناب آقای دکتر حمید تنکابنی یاد کنم که سالها پیش، با دعوت از اینجانب برای مشارکت در طرح پژوهشی «مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ ایران» (بخش مربوط به سعدی) که مدیریت و هدایت آن را برعهده داشتند، بندهٔ کمترین را در مسیر این گونه مطالعات قرار دادند. از این رو، به راستی، خود را وامدار ایشان می‌دانم. همچنین، جای آن دارد که از رهنمودهای سازنده و ارزندهٔ جناب آقای دکتر علیرضا شعبانلو و جناب آقای دکتر یوسف محمدنژاد صمیمانه سپاسگزاری کنم.

سرانجام، مهارت، دقت و حوصلهٔ شایانِ تحسینِ خانم زینب جهانبان کفّاش در کار حروف‌چینی و صفحه‌آرایی کتاب نیز فراموش ناشدنی و شایانِ تقدیر است.

احمد کتابی

بهمن ۱۳۹۵